آیهٔ تطهیر در ادبیات عرب

زهره اخوان مقدّم*

چکیده: آیهٔ ۳۳ سوره احزاب (آیهٔ تطهیر)، موضوع پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد نگارنده بوده و در این گفتار، خلاصه‌ای از آن رساله را ارائه می‌کند. بخش اوّل به بررسی آیهٔ تطهیر، از حیث: اهمّیّت، مفردات و معنای اهل بیت در نظر دانشمندان شیعه و سنّی می‌پردازد و به مناسبت، نگاهی به شخصیّتِ عکرمه می‌افکند. امّا بخش دوم و اصلی این رساله، پیگیری آیهٔ تطهیر در شعر شاعران عرب است که به دلیل جایگاه رفیع شعر و شاعران، سخن آنان مورد استناد بوده و است. نویسنده آیهٔ تطهیر را در شعر عربی، از قرن دوم تا سیزدهم هجری قمری به ترتیب زمان، پی می‌گیرد و در این مقاله، نمونه‌هایی از آن را می‌آورد؛ ازجمله: عبدی کوفی، سید حمیری، ذکوان، ابونواس، دیک الجنّ، دعبل، وامق مسیحی، ابن‌دُرَید، صنوبری، ابوفِراس، ابوعلی ضریر خوارزمی، خطیب حصکفی، ابن‌عودی نیلی، ابن‌طلحهٔ شافعی، ابن‌ابی‌الحدید.

کلید واژه: نصوص امامت / آیهٔ ۳۳ سورهٔ احزاب (تطهیر) / امامت در قرآن / ادبیات عرب / تفسیر موضوعی.

*. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآنی، تهران.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

۱. مقدّمه

از آنجا که آیهٔ شریفه تطهیر (احزاب (۳۳) / ۳۳) در بیان برتری اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام بر همهٔ انسانها، بسیار اهمّیّت دارد، بیش از فضائل دیگر، مورد شکّ و تردید و حتّی حسد و غرض‌ورزی قرار گرفته است و این امر، اهمّیّت پژوهش در این زمینه را روشن می‌سازد. از این‌رو، کتابهای چندی به زبان فارسی و عربی دربارهٔ این آیه، از حیث مفهوم و مصداق اهل بیت، نوشته شده است.

در همهٔ تفاسیر و کتب مرتبط دیگر نیز بحثهای مفصّلی حول این مسئله به چشم می‌خورد؛ امّا نگارنده از روشی غیر از روش همهٔ آثار پیشین برای پژوهش در آیهٔ تطهیر اقدام کرده است. رشتهٔ اصلی وی علوم قرآن و حدیث، و علاقه‌مند به مباحثی حول رشتهٔ خود بوده است. از آنجا که نگارنده در مقطع ارشد به طور همزمان در «علوم قرآن و حدیث» و نیز «ادبیات عرب» تحصیل می‌کرده، لذا باید دو رسالهٔ همزمان ارائه می‌شد، و از آنجا که در رشتهٔ ادبیات عربی الزاماً باید موضوعی مرتبط با رشته انتخاب می‌شد، مطالعه و تحقیق دربارهٔ اشعار جاهلی و شرح حال آن شاعران و معلّقات سبع و... مورد علاقه نگارنده نبود. پس از مدّتی تفکّر، براساس علاقهٔ وافری که به کتاب شریف الغدیر و مباحث امامت داشت و نیز براساس پیشنهاد جناب دکتر محمّد امینی نجفی، بر آن شد تا به روش علّامه امینی، یعنی پیگیری غدیر در اشعار شعرا، در مورد آیهٔ تطهیر به بررسی و تحقیق بپردازد. از آنجا که موضوع ابتکاری بود و صبغهٔ ادبیات عربی هم داشت، به سرعت پذیرفته شد و از زمستان ۱۳۸۱ کار ممتد و پیگیر حول آن در رأس اولویّتهای نگارنده قرار گرفت. در این گفتار، ضمن معرّفی این پایان‌نامه، خلاصه و گزیده‌ای از مطالب آن نقل می‌شود.[۱]

۱. از آنجا که این مقاله، تلخیص پایان‌نامهٔ یاد شده است، منابع در اصل پایان‌نامه‌آمده است. توضیح این‌که اصل پایان‌نامه با ویرایش در دست چاپ می‌باشد. (ویراستار)

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

۲. نمای کلّی پایان‌نامه

این پژوهش در دو فصل کلّی سامان یافته که قبل از آن، مقدّمه و یک پیشگفتار مفصّل به چشم می‌خورد. در پیشگفتار که در ۱۴ صفحه تنظیم شده، به مقدّماتی از قبیل سیر تدوین حدیث، منع تدوین حدیث توسط برخی از صحابه، توصیه‌های کلامی و عملی پیامبرﷺ در جهت معرّفی رهبری پس از خود، عصمت اهل بیت و ویژگیهای کلّی آیهٔ تطهیر اشاره شده است.

۳. نگاهی به فصل اوّل

فصل اوّل این مجموعه ـ که از حیث موضوع، کار جدیدی نیست ـ «بررسی آیهٔ تطهیر» نام دارد. امّا از حیث جمع و نقد آراء و نتیجه‌گیریها، مقایسهٔ دیدگاه عالمان شیعه و اهل سنّت، بیان سرچشمه‌های اختلاف و علل آن و شخصیّت‌شناسی عاملان اختلاف، بی‌سابقه و نو به نظر می‌رسد.

این فصل که ۵۰ صفحه دارد، شامل شش عنوان فرعی به شرح زیر است:

اهمّیّت آیهٔ تطهیر، مفردات آیهٔ تطهیر، دیدگاه عالمان شیعه و خاستگاه آن، دیدگاه عالمان اهل سنّت و سرچشمهٔ اختلاف، خلاصه و نتیجه‌گیری، نگاهی به شخصیت «عکرمه» و بررسی حدیث او.

دربارهٔ این عنوانهای فرعی، توضیح اجمالی ذکر می‌شود.

۳ـ۱) اهمّیّت آیهٔ تطهیر: این بخش ناظر به اهمّیّت این آیهٔ شریفه از حیث برتری اهل بیت پیامبر بر دیگران و راه‌گشایی آن در جهت تعیین رهبری آیندهٔ مسلمانان است.

۳ـ۲) مفردات آیهٔ تطهیر: نگارنده در این بخش، به معنای تک تک واژگان پرداخته و با تکیه برکتب مرجع، معنای «إنّما»، «اراده»، «إذهاب»، «رجس»، «تطهیر»، «اهل» و «بیت» را روشن ساخته است. در ضمن هر کدام از واژگان آیه بحثهای جانبی به طور مستدل به میان می‌آید. مثلاً ذیل کلمهٔ اراده، موضوعات تکوینی و تشریعی، معنای عصمت و منافات نداشتن آن با «اختیار»، و دیدگاه علما در این زمینه بررسی شده

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

است.

همچنین در ضمن بیان معنای «اهل» به واژه‌شناسی آن در قرآن پرداخته و با استناد به آیات دیگر، به سبک تفسیر موضوعی، معنای آن روشن شده و حدود و ثغور «اهل بودن» مشخص می‌گردد. سپس معنای «بیت» به همین سبک روشن شده و سرانجام در پایان بخش مفردات، معنا و مصداق «اهل البیت» با تکیه بر روایات شیعه و سنی مورد توجّه قرار گرفته است. در اینجا، اعتراف عالمان اهل سنت، از جمله فخر رازی مطرح شده که «اهل بیت» و «آل محمّد» کسانی‌اند که در پنج ویژگی با رسول اکرم مشترک‌اند: صلوات در تشهّد، سلام، طهارت، تحریم صدقه و محبّت.

۳ـ۳) دیدگاه علمای شیعه و خاستگاه آن: در این بخش از فصل اوّل، باور همهٔ عالمان و مفسّران شیعه و مستندات ایشان به عرصهٔ بیان آمده و تصریح شده که حتی یک نفر از صاحب نظران این مکتب، در مصداق آیه تردیدی ندارد.

۳ـ۴) دیدگاه علمای اهل سنّت و سرچشمهٔ اختلاف: در این قسمت، اقوال مفسّران اهل سنّت را می‌بینیم که هیچ کدام نتوانسته‌اند شمول «اهل بیت» را از حضرت فاطمه و همسر و پسرانش منکر شوند؛ امّا همسران پیامبر را نیز به مصادیق مزبور اضافه کرده‌اند و البته تناقض در اقوال این مفسران، آشکار است. نکتهٔ مهم این بخش آن است که علما و مفسّران اهل سنّت از متقدّم تا متأخّر، برای این نظریهٔ شاذّ (که همسران پیامبر نیز مصداق اهل البیت‌اند) تنها و تنها به حدیث یک نفر به نام «عکرمه» استناد نموده‌اند و جالب اینجاست که اغلب، در سخن عکرمه هم مناقشه دارند! مثلاً ابن‌کثیر (م ۷۷۴) ـ که در دفاع از مواضع اهل سنّت تعصّب دارد ـ می‌گوید: آیه نصّ است در ورود ازواج نبی در اهل بیت و عکرمه در بازار فریاد می‌زد که آیهٔ تطهیر خاصّ همسران رسول خداست و من حاضرم مباهله کنم. (ابن‌کثیر، ج ۳، ص ۴۹۱) سپس در صفحهٔ بعد می‌گوید: «*اینکه مراد آیه فقط زنان رسول باشند، محلّ مناقشه است؛ زیرا احادیثی وارد شده که نشان می‌دهد مراد آیه اعمّ از زنان است.*» ابن‌کثیر پس از

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

این سخن همهٔ احادیث مرتبط با آیهٔ تطهیر، بخصوص حدیث غدیر و ثقلین و کساء و احتجاجات امام حسن علیه‌السلام و امام سجاد علیه‌السلام را که مؤیّد قول شیعه است، می‌آورد. امّا با کمال تعجّب، در آخر چنین نتیجه می‌گیرد: *«ولی با تدبّر در قرآن، بی‌تردید نساء نبی داخل در قول* **إنّما یرید الله** *هستند زیرا سیاق کلام چنین است»!* نگارندهٔ رساله در انتهای این بخش، اقوال مفسران اهل سنّت را از هفت جهت نقد می‌کند.

۳ـ۵) خلاصه و نتیجه‌گیری: این بخش اختصاص دارد به جواب پنج سؤال مهمّ که در فهم معنای آیه بسیار مدخلیّت دارد؛ مثلاً اینکه آیا خود همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین ادّعایی داشته‌اند؟ و آیا سیاق در مقابل نصّ، تاب مقاومت دارد؟ و...

در پایان، نگارنده به سه دلیل مهمّ تاریخی در اثبات مدّعای شیعه اشاره می‌کند.

۳ـ۶) نگاهی به شخصیّت عکرمه: گفتیم که استناد مفسّران عامّه در آن قول شاذّ، به کلام عکرمه است؛ لذا این بخش به شناسایی عکرمه اختصاص یافته و سخنان او، از حیث سندپژوهی و متن‌پژوهی مورد دقّت قرار می‌گیرد.

٤. نگاهی به فصل دوم

فصل دوم و اصلیِ پایان‌نامه در ۱۷۷ صفحه نوشته شده است. مفهوم آیهٔ تطهیر و مصداق آن با تکیه بر دلائل عقلی و نقلی و تاریخی در فصل اوّل این پایان‌نامه کاملاً اثبات شده؛ امّا هدف این رساله پیگیری روش علّامه امینی در مورد آیهٔ تطهیر است تا ثابت شود که در هیچ قرنی و هیچ نسلی، هیچ شاعری بر خلاف قول شیعه شعری نسروده و فرهنگ عامّهٔ مردم ـ که شعر شعرا از آن سرچشمه می‌گیرد ـ نیز قول شیعیان را تأیید می‌کند.

فصل دوم از دو بخش تشکیل شده است. نگارنده در بخش اوّل این فصل، گذری بر پیشینه و جایگاه رفیع شعر دارد و در بخش دوم، تطهیریه‌های شاعران را از قرن دوم تا زمان حاضر بررسی نموده است.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

۵. نگاهی به بخش اوّل: نگرشی بر پیشینه و جایگاه رفیع شعر

در هر فرهنگ و تمدن اجتماع انسانی، ادبیات و خصوصاً شعر، آینهٔ تاریخ آن جامعه است؛ زیرا شاعران از محیط اطراف خود اثر پذیرفته و به کمک استعداد و موهبت، ابیاتی می‌آفرینند که با وجود بی‌زبانی، زبانِ گویای عصرشان است. آنان ویژگیهای مردم زمان خویش و شرایط اجتماعی و فرهنگی محیط خود را بیان می‌کند و به تصویر می‌کشند. بنابراین، شعر نشانگر فضای حاکم بر روزگار شاعر است و از این‌رو، به لحاظ تاریخی بسیار سودمند می‌باشد. همچنین نشان‌دهندهٔ موضع شاعر در مقابل حوادث است.

توجّه به این نکته ضروری است که علاوه بر نکات یاد شده، شعر از ارکان اجتماعی زندگی عربی بوده و آن را «دیوان اعراب» نامیده‌اند. قبل از ظهور اسلام، شاعر سرور قبیله و گاه از رئیس قبیله محترم‌تر بود و قبیلهٔ بدون شاعر سرافکنده و شرمنده می‌شد. اگر شاعری در قبیله‌ای به نبوغ می‌رسید، مردم جشن و پایکوبی راه می‌انداختند و افراد دیگر قبائل، برای عرض تهنیت، به سوی ایشان می‌آمدند و پذیرایی می‌شدند؛ زیرا شعر میراث آنها را حفظ و مقامشان را رفیع و دشمن را هراسان می‌کرد. از این رو، مردم نیاز به شعر داشتند و شاعر بسیار عزیز بود. شاعر تأثیری می‌گذاشت که دیگران حتّی با شمشیر نمی‌توانستند چنان کنند. حَنّا الفاخوری می‌نویسد: *«شعر ترجمان احساسات افراد و زبان قبیله و طومار اخبار گذشته و سرگذشت نیاکان بود. شاعر، پیامبر قبیله و پیشوای آن در زمان صلح و قهرمان آن در زمان جنگ بود. به فرمان او خیمه‌ها برپا می‌ساختند و می‌ایستادند یا کوچ می‌کردند. مقام شاعر از خطیب بالاتر بود، زیرا شعر در خاطره‌ها جا می‌گرفت و برزبان آسان بود.»*

به سبب همین تأثیر عظیم شعر و شاعر در نفوس مردم بود که مشرکان با مشاهدهٔ تأثیر شگرف قرآن در مردم، به قرآن نسبت «شعر» و به پیامبر نسبت «شاعر» دادند. نیز به سبب اطاعت مردم از شاعر بود که قرآن کریم در آیهٔ ﴿**الشعراء یَتَّبِعُهُم الغاوون**﴾ (شعرا (۲۶) / ۲۲۴) شاعران را متبوع گمراهان می‌شمرد.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

اهمّیّت شاعر به اندازه‌ای بود که ملوک و امرا از شأن و نفوذ شاعر سود می‌جستند و با تشویق و صله‌های متعدّد، آنها را به دربار خویش می‌خواندند وگاه برای تصاحب یک شاعر، بین دو امیر نزاع و جنگ واقع می‌شد. زیرا شاعر مفاخر قوم را به گوش همگان می‌رساند و از حیثیت و شرف آنها دفاع می‌کرد و شور و حماسه را در سپاه برمی‌انگیخت و فضائح خصم را برملا می‌ساخت و...

نگارنده پس از کلّیّاتی دربارهٔ شعر، با توجّه به آیاتی که ظاهراً شعر و شاعران را مذموم شمرده، اثبات می‌کند که در قرآن «شعرگفتن» نکوهش نشده، بلکه از برخی «شاعران» مذمّت شده و اتّفاقاً شعرای مؤمن استثنا شده‌اند.

پس از قرآن، اگر در سیرهٔ پیامبرﷺ مطالعه کنیم، معلوم می‌شود که ایشان نیز شعر و شاعری را نه تنها به طور مطلق ردّ نفرموده، بلکه گاه شاعران را به سرودن شعر تشویق فرموده است. طبرسی می‌نویسد: *«به صحّت رسیده که پیامبرﷺ شعر را می‌شنید و تشویق می‌کرد و بارها به حَسّان فرمود: «پیوسته مؤیّد به روح القدس هستی تا آن زمان که با زبانت ما را یاری کنی» رسول عظیم الشأن اسلام، از اشعار حکیمانه و موافق عقل و دین حمایت می‌فرمود و حتی با اشعاری که چنین نبود، امّا مغایرتی با اسلام نداشت، مخالفت نمی‌کرد. نمونه‌هایی از تشویقهای پیامبر گزارش شده است.»*

در پایان این بخش، نگارنده هدف خود را از بحث مستقل دربارهٔ جایگاه شعر بیان می‌کند و می‌نویسد: جایگاه شعر قبل از اسلام و بعد از آن، بدین جهت بیان شد تا خواننده به اهمّیّت و فایدهٔ جستجو برای یافتنِ اشعار آیهٔ تطهیر پی ببرد؛ زیرا توجّه به این اشعار چند مطلب را روشن می‌سازد:

۱. این اشعار مانند احادیث مربوطه، نشانگر انحصار «اهل بیت» در آیهٔ تطهیر، به خمسهٔ طیّبه است.

۲. این اشعار معنای اصلی تطهیر یعنی «عصمت و پاکی اهل بیت» را تصریح می‌کند و نادرستیِ برداشت مخالف را روشن می‌سازد.

۳. با توجّه به اینکه در بین شعرا افراد غیر شیعه و حتّی غیر مسلمان هم هستند،

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

معلوم می‌شود که این عقیده اختصاص به شیعه ندارد.

۴. از آنجا که یکی از فوائد شعر «وقایع نگاری» است، واقعهٔ نزول آیهٔ تطهیر و شرح و بیان آن کاملاً در مضمون اشعار مشهود است.

۵. این شعرا، غالباً دانشمندان جامع الاطرافِ زمانِ خود بوده‌اند. لذا شعر آنان، از علوم مختلف مانند فقه و تاریخ و تفسیر و حدیث برخاسته است نه اینکه احساس محض باشد.

۶. با تکیه بر تطهیریه‌های شعرا، می‌توان یقین کرد که معنای تطهیر و مصداق مطهّران، همان عقیدهٔ شیعه است و اگر غیر از این بود و افراد دیگری توسّط پیامبر صلی الله علیه و آله معرّفی شده بودند، حتماً شعرای دانشمند ـ اعمّ از شیعه و غیرشیعه ـ در ضمن اشعار به آنها اشاره می‌کردند. پیش از این، علّامه امینی با تکیه بر اشعار غدیر در طی قرون گذشته، کاملاً نشان داده‌اند که اگر واقعهٔ غدیر و حدیث غدیر معنایی غیر از عقیدهٔ شیعه داشت، حتماً در اشعار می‌آمد.

٦. بخش دومِ فصل دوم

این بخش حجم اعظم رساله را به خود اختصاص داده است. نگارنده در این بخش، با جستجو درکتب تاریخی و ادبی و دیوانهای شعر، اشعاری راکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آیه تطهیر ارتباط دارد، گرد آورده است. قبل از ذکر ابیات، برای آشنایی با شاعر، شرح حال مفیدی آورده شده است. البتّه جمع آوریِ همهٔ اشعارِ مربوط به آیهٔ تطهیر، نیاز به چندین جلد کتاب دارد، ولی در اینجا در حدّ یک رساله دانشگاهی اقدام شده است.[1]

۱. با توجّه به اینکه در هنگام نزول آیهٔ تطهیر، رسول خدا صلی الله علیه و آله، دختر و داماد و فرزندانش علیهم السلام را زیر عبا یا کسا گرد آورد و این آیهٔ شریفه را خواند، در پاره‌ای از اشعاری که خواهد آمد، فقط به این کلمه اشاره می‌شود.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

الف ـ شاعران قرن دوم

در این قسمت، از عبدی کوفی، سید حمیری، ذَکوان و ابونواس یاد شده است

۶ـ۱) عبدی کوفی: از شعرای اهل بیت که فقط دربارهٔ آل محمّد علیهم‌السلام شعر سروده است. سروده‌های او مملو از ذکر فضائل و مدح و مرثیهٔ علی علیه‌السلام و فرزندان اوست. صدق نیّت او باعث شد که بارها امام صادق علیه‌السلام از او خواستند تا برای ایشان شعر بخواند و درباره‌اش فرمودند: *«ای شیعیان، شعر عبدی را به فرزندانتان یاد بدهید؛ زیرا او به دین خداست.»* وی حول عصمت آل محمّد و واقعهٔ کساء اشعاری دارد. ازجمله در یکی از اشعارش پس از ذکر پاکی و برتری ایشان، می‌گوید:

لَوْ لَم یکُونوا خیرَ مَنْ وَطَأَ الحَصیٰ ما قالَ جبرئیلُ لَهُم تحتَ العبا

هل أنا منکم شَرَفاً ثم علا یُفاخِرُ الأملاكَ إذ قالوا بَلیٰ

اگر این پنج نفر بهترین خلق نبودند، جبرئیل هنگامی که آنها زیر عبا جمع شدند، از ایشان اجازهٔ ورود و معیّت نمی‌گرفت، و نیز هنگامی که به او اجازهٔ ورود دادند، به خاطر این مصاحبت، به ملائکه آسمان فخر نمی‌فروخت.

۶ـ۲) سید حمیری: از شعرای معروف شیعه است که مذهب کیسانی داشت و به برکت هدایت امام صادق علیه‌السلام شیعهٔ اثنا عشری شد و لقب «سید» را امام ششم علیه‌السلام بر او نهادند و او را «سیّد الشعراء» نامیدند. چون علاوه بر حب اهل بیت، بغض دشمنان ایشان نیز در قلب او رسوخ کرده بود، ابن‌حجر در معرّفی او می‌گوید: *«شاعری فصیح است و رافضی خبیث»!* ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: *«او در سبّ اصحاب رسول خدا و همسران او افراط کرد و طعن و مذمّت آنها را در اشعارش آورد. و شعر او از مدح بنی‌هاشم و ذمّ مخالفان آنها خالی نیست.»* ذهبی گوید: *«سید حمیری از فحولِ شعراست؛ ولی رافضی سرسخت است.»*

اشعار او در تأیید مذهب شیعه به قدری قوی است که افرادی چون «دارقُطنی» دانشمند معروف اهل سنّت، تنها به خاطر حفظ کردنِ دیوانِ او متّهم به تشیّع شده‌اند. پدر و مادر سید حمیری از خوارجِ اِباضیّه بودند و هنگامی که از مذهب

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

فرزندشان مطلع شدند کمر به قتل او بستند. لذا او پنهانی زندگی کرد تا والدینش از دنیا رفتند. شرح حال سیّد حمیری بسیار شگفت‌انگیز و آموزنده است. «عینیّهٔ» او شهرت فراوان دارد و امام صادق‌علیه‌السلام با شنیدن آن بر سیّد رحمت فرستاد. این قصیدهٔ عینیّه، همان است که پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله در رؤیای صادقه به امام رضاعلیه‌السلام فرمودند: *«این را حفظ کن و به شیعیان ما امر کن تا آن را حفظ کنند و به ایشان خبر ده که هرکس آن را حفظ کند و پیوسته بخواند، من بهشت را برای او ضمانت می‌کنم.»* سیّد دربارهٔ آیهٔ تطهیر اشعار زیادی دارد. به عنوان نمونه:

إنَّ یـومَ التـطهیرِ یـومٌ عـظیمٌ　　خُصَّ بِالفضلِ فیه أهلُ الکساء...

ابوالفرج اصفهانی در مدح این شعر، سخنی شنیدنی دارد.

در شعر دیگری می‌گوید:

بـیتُ الرسـالةِ و النـبوّةِ وَالّـذ　　ـیـنَ نَـعُدُّهُمْ لِـذُنوبِنا شُـفَعاء

مَنْ خمسةٌ جبریل سادِسُهُم و قـد　　مَـدَّ النّـبیُّ عـلی الجـمعِ عـباء

... همان پنج نفری که پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله با عبا ایشان را پوشاند؛ در حالی که هیچ‌کس با ایشان شریک نبود مگر جبرئیل که ششمین نفرِ این پنج نفر بود.

۶ـ۳) ذَکوان مولی بنی‌هاشم: شاعری است با اشعار نیکو که مدافع حریم اهل بیت است. وی بسیار پرجرئت بود و اشعار مدح خود را حتی در حضور ظالمانی چون معاویه و مروان می‌خواند. ماجرای خواستگاری مروان از دختر «عبدالله‌بن جعفر» در کتب بسیاری ثبت شده که ذکوان در همان مجلس با سه بیت شعر، جسارتِ مروان را پاسخ می‌گوید. در مضمون آیهٔ تطهیر بیتی از او می‌آوریم:

أماطَ اللهُ مِنهم کـلَّ رِجْسٍ　　وَ طَهَّرَهُمْ بذلكَ في المـثاني

خداوند از ایشان همهٔ پلیدی‌ها را زدود، و پاک و مطهّرشان ساخت و این مطلب در قرآن آمده است.

۶ـ۴) ابونُواس: حسن‌بن هانی معروف به ابونُواس شاعر شهیر قرن دوم است. در علم قرائت، لغت، فقه، حدیث و احکام صاحب نظر بود. سابقه خوبی نداشت، امّا توبه

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

و استغفار نمود و اهل زُهد و تقوی شد. پرچمدار شعر در عصر خود بود و سبکی نو در شعر ایجاد کرد و او را در ردیف امرؤ القیس شمرده‌اند. اشعار او فراوان و دیوانش بارها چاپ شده است. در یکی از اشعارش انتساب به علی علیه‌السلام و علوی بودن را تنها افتخار به حساب می‌آورد و ضمن معصوم و مطهر شمردن اهل بیت، صلوات را مختصّ آنان می داند:

مُطَهّرونَ نَقیّاتُ جُیُوبُهُمْ تَجری الصّلاةُ عَلیهم أیْنَما ذُکِروا

ایشان مطهر و پاک و پاک دامن‌اند و هرجا نامشان برده شود، صلوات و درود بر آنها فرستاده می‌شود.

ب ـ شاعران قرن سوم

پس از قرن دوم، نگارنده از شاعران زیادی یاد می‌کند که در قرن سوم تطهیریه‌هایی دارند: محمّدبن ادریس شافعی، دیک الجن، دعبل و وامق مسیحی.

۶ـ۵) شافعی: وی از بزرگان اهل تسنّن قرن دوم و رئیس مذهب شافعیه است. تولّد او دقیقاً روز مرگ ابوحنیفه بود. در علم لغت، شعر و ادبیات، ایام عرب، فقه و حدیث تبحّر داشت و در سن ۱۸ یا ۲۰ سالگی فتوا می داد. احمد حنبل، عمربن عبدالعزیز را مجدّد دین در قرن اوّل، و شافعی را مجدّد دین در قرن دوم می شمارد. اشعار او در حبّ آل محمّد فراوان است؛ از جمله می‌گوید:

إنْ کانَ رَفضاً حبُّ آلِ محمّدٍ فَلْیَشْهَدِ الثَقَلانِ أنّي رافضي

اگر حبّ و دوستی آل محمّد، رفض و خروج از دین به حساب می‌آید، جنّ و انس شاهد باشند که من رافضی و خارج از دین هستم.

اشعار وی در مدح و پاکی اهل بیت و فضائل فراوان ایشان و نیز رثای امام حسین علیه‌السلام بسیار شنیدنی است؛ از جمله می‌گوید:

إذا في مجلس ذَکَروا علیّاً و سبطَیْه و فاطمةَ الزّکیّه

فَأجْرئ بَعْضُهم ذِکرئ سِواهم فَأیْقَنُ أنّهُ لِسَلَقلَقِیَّه

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

عـلی آلِ الرسـولِ صـلاةُ ربّـي وَ لَـعْنَتُهُ لِـتِلكَ الجٰـاهِلیّه

هرگاه در مجلسی نام علی و دو پسر او و فاطمهٔ پاک نهاد برده می‌شود، بعضی از مردم فوراً موضوع را عوض کرده و سخن غیر ایشان را می‌گویند. لذا من یقین می‌کنم که آنـان زادهٔ زنانِ بدکاره‌اند. صلوات خدا بر این چهار نفر آل رسول، و لعنت خـدا بـاد بـر ایـن مـرام جاهلی.

۶ـ۶) دیک الجنّ: ابومحمّد عبدالسلام حُمُصی معروف به «دیک الجـنّ»، از شـعرای عصر عباسی و شاعری خوش طبع از شیعیان است. او در مراثی امام حسـین علیه‌السلام اشعار فراوان دارد. وی نه تنها برای عرب نسبت به عجم فخری قائل نبود، بلکه بر اَعراب، فخر می‌کرد و تنها آل محمّد را بهترین مردم بین عرب و عجم می شمرد. در مضمون آیهٔ تطهیر می‌گوید:

و الخمسةُ الغُرُّ أصحابُ الکِساءِ مَعاً خَیرُ البَریّةِ مـن عُـجْمٍ و مِـن عَـرَبِ

اشعار او در فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام و مظلومیّت ایشان شنیدنی است.

۶ـ۷) دِعبِل خُزاعی: وی از شعرای کم‌نظیر شیعهٔ امامیّه و از نوادگان «بدیل خُزاعـی» صحابی گرانقدر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است که پیامبر در روز فتح مکّه او را دعا فرمود. بدیل در جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود که به دست یاران معاویه شهید شد. سروده‌هایش بر زبانها و درکتابها جاری است و نبوغ او را در ادب و شعر اثبات می‌کند. اشعار او غالباً در مدح اهل بیت و هجو دشمنان ایشان است. علّامه امینی می‌نویسد: *«از آنجا که ولایت اهل بیت خالص نمی‌شود مگر با برائت از دشمنان ایشان، لذا دعبل پیوسته بیزاری و برائت خود را از دشمنان عترت طاهره و غاصبین منصب ایشان اعلام می‌کرد.»*

وقتی عباسیان به بهانهٔ دفاع از اهل بیت روی کار آمدند، امّا خـلاف گـفته‌هایشان عمل نمودند، دعبل همهٔ خلفا و وزرای ایشان را افشا کرده و با این هجوگویی از بنی‌عباس انتقام می‌گرفت. به همین سبب، پیوسته فـراری بـود و خـود مـی‌گفت: *«پنجاه سال است که چوبهٔ دارم را به همراه می‌کشم.»* وی در علم تاریخ و ادبیات ید

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

طولا داشت و از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام شمرده می‌شود. سرانجام در سن ۷۹ سالگی با ظلم و ستم، به امر متوکّل شهید شد. قصیدهٔ تائیّه دعبل که با «مدارس آیات...» شروع می‌شود، بسیار معروف است و امام رضا علیه السلام به او فرمود: *«این شعر را روح القدس به زبان تو جاری کرده است.»* سپس جُبّه‌ای به او بخشیده و دو بیت به شعرش اضافه فرمودند. در این قصیدهٔ طولانی به آیهٔ تطهیر اشاره کرده و پاک بودن اهل بیت و فضائل دیگر ایشان را یاد می‌کند:

... منازِلُ کانَتْ لِلصَّلاةِ و لِلتُّقی و لِلصَّوْمِ و التَطْهیرِ و الحَسَناتِ...

خانه‌هایی که مخصوص نماز و پرهیزگاری و روزه بود و پاک و مطهّر بود و دارای نیکویی‌ها.

۸ـ۶) وامق مسیحی: بقراط نصرانی از بزرگان و اُمراء ارامنه است. او از مدّاحان اهل بیت بود و ماجراهایش در زمان متوکل، در تاریخ یعقوبی و کامل ابن‌اثیر آمده است. چگونه یک مسیحی مدح و ثنای امیرمؤمنان کند؟ امّا باید دانست که انسان کمال طلب است و علم و کمال و فضائل غیر قابل شمارش امیرالمؤمنین علیه السلام هر انسانی را به تحسین وا می‌دارد. علّامه امینی گوید: *«بسیاری از یهود و نصاری در مدح پیامبر و وصیّ او کتاب نوشته‌اند.»* و سپس ۳۰ نفر از ایشان را نام می‌برد. وامق در مدح امام علی علیه السلام و بیان واقعهٔ غدیر و فضائل اهل بیت، اشعار فراوان دارد و در مضمون آیهٔ تطهیر، اهل بیت را منحصر در علی و فاطمه و پسران ایشان علیهم السلام می‌شمرد:

إذا ظَلَمَتْ طُرقُ الرَّشادِ عنِ الهُدیٰ فَآلُ رسولِ اللهِ کانت مُصابِحا

سلیلُ علیّ المرتضی و ابنُ فاطم معاشِرُ کانوا لِلغِوایَةِ رامِحا

(پیامبر فرمودند) وقتی که راههای هدایت مخفی و تاریک شود، علی مرتضی و فرزندان او که پسران فاطمه‌اند، همچون چراغ می‌درخشند. ایشان گروهی‌اند که گمراهی را می‌رانند و دور می‌کنند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

ج ـ شاعران قرن چهارم

نگارنده در میان تطهیریه‌های قرن چهارم، از ۱۲ شاعر یاد می‌کند که عبارت‌اند از: عونی، ابن‌علویه اصفهانی، ابن‌درید، صنوبری، ابوفراس، ابن‌هانی اندلسی، ناشئ صغیر، سوسی، بشنوی، صاحب‌بن عباد، سلامه موصلی و ابن‌حماد عبدی.

از آنجاکه در مجالِ این مقال، فرصت پرداختن به همه نیست، سه تن به عنوان نمونه انتخاب می‌شوند.

۶ـ۹) ابن‌دُرَید: ابوبکر محمّدبن حسن‌بن دُرَید صاحب تصانیف بسیار و از بزرگان لغت و نحو و ادب عربی است. در حفظ انسابِ عرب و اشعار سرآمد است. کتاب «اشتقاق» و «جمهره» از او در لغت و انساب، شهرت عام دارد. در قوّهٔ حفظ و نیز قدرت شعرگفتن او سخن فراوان گفته‌اند. در بین اشعارش «مقصورة دُرَیدیه» در رثای امام حسین علیه‌السلام بسیار معروف است و عالمان فراوانی این شعر را شرح کرده یا تخمیس نموده‌اند. وی در مضمون آیهٔ تطهیر می‌گوید:

إنَّ النبيّ محمّداً و وصيَّهُ و ابْنَيْه و ابْنَتَهُ البَتولَ الطّاهِرَة
أهلُ العباءِ فَإنَّني بِولائهم أرْجو السَّلامَةَ و النَّجا في الآخِرَة

به راستی، پیامبر اکرم و وصیّ او علی و دو پسرش و دخترش فاطمهٔ پاکِ مطهر علیهم‌السلام، همان اهل عبا هستند که من در آخرت، به سبب ولایت و دوستی ایشان، امید سلامتی و نجات دارم.

۶ـ۱۰) صنوبری: ابوالقاسم احمدبن محمّد جَزَری معروف به صنوبری، از معاریف قرن چهارم است. اکثر شعر او در وصف باغها و ریاض است؛ لذا «روضیّات» او معروف می‌باشد. قصایدی در مدح امیرالمؤمنین علیه‌السلام دارد و فضائل ایشان را به نظم درآورده است. مراثی امام حسین علیه‌السلام نیز در دیوان او فراوان است. این ابیات در مدح آل عبا اشاره به آیهٔ تطهیر و حدیث کسا و دلالت بر حُسنِ اعتقادات او دارد:

حبُّ النبيِّ محمَّدٍ و وصيِّه مَعَ حبِّ فاطمةٍ و حُبِّ بَنيها
أهلِ الكساءِ الخمسةِ الغُرَرِ الّتي يَبْني العُلا بِعُلاهُم بانيها

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

[ای نفس، طالب هر امر بی ارزشی مشو، طالب بالاترین امور باش که همانا] حبّ محمّد و وصیّ او علی و فاطمه و پسرانش علیهم‌السلام می‌باشد. همان پنج نفری که اصحاب کساء هستند و به سبب علوّ مقام آنها، مقام و جلالت پایه‌گذاری شد.

۶ـ۱۱) ابوفراس: حارث‌بن سعدبن حمدان مشهور به ابوفراس، فارس میدان عقل و فراست و شجاعت، و ریاست و حلم و ادب است. «ابوفِراس» از القاب شیر است و به سبب شجاعت، این کنیه را بر شاعر نهاده‌اند. او از رجال سیاسی شیعه است که در قرن چهارم به دست غلام ابوالمعالی، پسر سیف الدوله، به قتل رسید.

دربارهٔ حیات او کتابهای جداگانه نوشته شده است.

علّامه امینی گوید:

سخن از شخصیّتی ذوابعاد چون ابوفراس، بسیار دشوار است؛ زیرا نمی‌دانم کدام بُعد او را توجّه کنم: شعر و سخندانی، یا سپهسالاری، یا امارت؟ شعر او در سهولت و روانی و استحکام و نیکویی و شیرینی مشهور است. صاحب‌بن عباد دربارهٔ شعر او گوید: شعر با یک پادشاه آغاز و با یک پادشاه ختم شد. امرؤالقیس و ابوفراس. متنبّی شاعر مشهور، همیشه به تقدّم و مقام والای ابوفراس اعتراف داشت و جانب او را مراعات می‌کرد.

در همهٔ اغراض (سبکهای) شعری اعم از وصف و فخر و حکمت و رثاء شعر گفته است. قصیدهٔ میمیّه‌ای در مظلومیّت ائمّه علیهم‌السلام و ظلم بنی‌عباس دارد که مشهور به شافیه است. برخی از فضلای این قصیده را شرح و تخمیس کرده‌اند. شاعر امیر و توانا، تک تک بنی‌هاشم را در این قصیده با بنی‌عباس مقایسه کرده و به دون‌مایگی و حیله‌گری و فسق بنی‌عباس اشاره می‌کند.

ابوفراس قصیده‌هایی معروف نیز در مدح اهل بیت دارد که علّامه امینی ۳۹ بیت آن را آورده است. شاعر در این قصیده علاوه بر غدیر و فضائل بی‌شمار امیرالمؤمنین علیه‌السلام به فضیلت کساء و اجازه گرفتن جبرئیل اشاره می‌کند و می‌گوید:

أنسیتُم یومَ الکساءِ و أنَّهُ — مِمَّن حَواهُ معَ النبیِّ کَساهُ
إذ قالَ جبرئیلُ بِهِم مُستَشْرِفاً — أنا منکُم، قال النبیُّ کَذاهُ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

آیا فراموش کرده‌اید روز کساء را که علی و پیامبر و بقیّه به وسیله عبا پوشانیده شدند؟ همان هنگامی که جبرئیل از پیامبر اجازه خواست که با آنان باشد و پیامبر اجازه داد و جبرئیل این معیّت را برای خود فضیلت و شرف می‌شمرد.

اشعار و سرگذشت نُه شاعر دیگر قرن چهارم نیز بسیار شنیدنی است.

د ـ شاعران قرن پنجم

در قرن پنجم، از پنج شاعر یاد شده که عبارت‌اند از: ابن‌مقلّد شیرازی، نصربن منتصر، ابن‌صباح، ابوعلی ضریر، محمّد موسوی. از بین اینها به بررسی دو تن می‌پردازیم.

۶ـ۱۲) نصربن منتصر: نصربن احمدبن نصر از شاعران شیعه است و ابن‌شهر آشوب در مناقب نام او را «نصربن منتصر» ثبت کرده است. نصر در شعری که در مدح امام حسن مجتبی علیه‌السلام سروده است، مضمون آیهٔ تطهیر را چنین بیان می‌کند:

سَادَتْ نساءُ العالمين أُمُّه — وَ سادَ في الخُلْدِ أَبُوهُ المُرْتَجى
مَنْ ذا لَهُ جَدٌّ تعالىٰ ذكرُهُ — بِاللهِ مقروناً إذا قامَ النِّدا؟
مَنْ كَالنّبيِّ و الوَصِيِّ والِدُهُ — و زَوجُهُ و ابْنَيْه أصحابِ العَبا؟

مادرِ امام حسن، سرور زنان جهان است و پدرش ـ که در بهشت به او امید شفاعت می‌رود ـ بزرگ بهشتیان است. چه کسی مثل امام حسن جدّی چون رسول خدا دارد که هنگام بلند شدن صدای اذان، نامش با نام خداوند عالم در کنار هم برده می‌شود؟ و چه کسی مانند این پنج اصحاب کساء است؟ مانند پیامبر و وصیّ او علی و همسرش فاطمه و پسرانش؟

۶ـ۱۳) ابوعلی ضریر: حسن‌بن مظفر نیشابوری از ادبا و شعرای خوارزم است. این نابینای روشن‌دل به ابوعلی بصیر یا ضریر معروف است و او را در هنر و ادب پیشتاز می‌دانند. از مادحان اهل بیت به حساب می‌آید و در یکی از اشعارش ضمن اشاره به فضیلت غدیر و مباهله، خمسهٔ آل عبا را معرّفی می‌کند:

و باهَلَ المشركينَ فيه و في — زَوجتِهِ يَقْتَفيهِما ابناهُ
هُمْ خمسةٌ يُرْحَمُ الأنامُ بِهِم — و يُسْتَجابُ الدُّعا و يُرْجاهُ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

پیامبر در روز مباهله با علی و فاطمه و دو پسر ایشان به سوی مشرکان رفت. این پنج نفر همان کسانی‌اند که مردم به واسطهٔ آنان مورد لطف و مرحمت خدا قرار می‌گیرند و دعاهایشان مستجاب می‌شود.

هـ ـ شاعران قرن ششم

در این بخش، نویسنده چهار شاعر را معرّفی می‌کند: خطیب حَصْکفی، ابن‌عودی نیلی، طلایع‌بن رزیک و اخطب خوارزم. باز هم به جهت پرهیز از اطاله، تنها دو نفر معرّفی می‌شوند.

۶ـ۱۴) خطیب حصکَفی: ابوالفضل یحیی‌بن سلامه، ملقّب به معین‌الدین و معروف به خطیب حَصکفی است؛ زیرا رشد و نمو او در حِصْنِ کَیْفا از شهرهای دیار بکر بود که در زبان فارسی حِصِن کیبا نامیده می‌شود. نزد خطیب تبریزی در بغداد به مهارت کامل در ادب دست یافت و مذهب شافعی را نیکو فراگرفت و به دیار بکر بازگشت و مفتی شد. علّامه زمان خود در نظم و نثر است. نام او به سبب خطبه‌های فراوانش نیز شهره آفاق گشت و دیوان رسائل او شاهد بر این مدّعاست. اشعار او در مدح اهل بیت بسیار نیکوست؛ تا آنجا که ابن‌کثیر می‌گوید: «او در بسیاری از علوم مانند فقه و ادب و نظم و نثر، امام و پیشوای زمان خود بود، ولی در تشیّع خود غلوّ می‌کرد»! سمعانی نیز او را از غالیانِ شیعه برمی‌شمرد.

ابن‌شهرآشوب اشعاری از او را آورده است. وی در شعری که در مدح امام جواد علیه‌السلام سروده است به اصحاب عبا اشاره می‌کند:

أَحببت یاسین و طاسین و مَن — یَـلزَمُ فـي یـاسین أو طـاسینا
سُفُنَ النَجاةِ و المناجاةِ و مَـن — آویٰ إلی الفـلكِ و طـور سـینا
ذَرُوٰا الغَبا فَإنَّ أصحابَ العَبا — هـمُ النَّـبَأُ إن شِـئْتُم التَّبیینا

من یس و طس و ملازمان پیامبر را دوست دارم آنان که کشتیهای نجات و مناجات‌اند و به سبب ایشان کشتی نوح مأوی گرفت.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

ترک کنید حماقت و نادانی را؛ زیرا اصحاب کساء همان نبأ هستند (که در مورد ایشان سؤال می‌شود) اگر طالب تبیین (آیه) هستید.[1]

۶ـ۱۵) ابن‌عودی: سالم‌بن علی‌بن سلمان تغلبی معروف به «ابن‌عودی نیلی» ستاره‌ای از آسمان ادب است که ناشناخته ماند. سیّد محسن امین می‌گوید: «*اشعار او را نیافتم مگر قصیدهٔ میمیّه‌اش را در مناقب ابن‌شهرآشوب.*» اشعار مذهبی او مانند سیّد حمیری، ابن‌حمّاد، عوفی، ناشیء صغیر و ابن‌علویه فراوان است؛ به طوری که وقتی ابن‌شهرآشوب در اواسط قرن ششم وارد عراق شد، سروده‌های مذهبی ابن‌عودی را بین مردم شایع دید، تا حدّی که مردم در مجالس برای شنیدن آنها اجتماع می‌کردند. امّا بعد از آن، فتنهٔ عظیم میان شیعه و سنّی اتفاق افتاد و حنابله، کتابخانه‌های شیعیان را آتش زدند و لذا بسیاری از کتب و دیوانها، از جمله اشعار ابن‌عودی، نابود شد.

حبّ اهل بیت و برائت از دشمنان ایشان در شعر ابن‌عودی موج می‌زند و به همین سبب به او مُهر «رافضی خبیث یهجو الصحابه» زده‌اند. مثلاً در قصیدهٔ ۱۴۹ بیتی‌اش، به قضیّهٔ غدیر و بیعت همهٔ صحابه با امیرالمؤمنین علیه‌السلام اشاره می‌کند و نقض بیعت را عجیب می‌شمارد. نیز کیفیّت خلافت را مورد سؤال قرار می‌دهد که اگر باید به اجماع باشد، چنانچه به زعم ایشان برای ابوبکر چنین بود، پس چرا در خلافت عمر به نصِّ ابوبکر اکتفا شد و چرا در خلافت عثمان به شوراگذاشته شد؟!

در بخشی از همین میمیّه، به قضیّهٔ کساء و مباهله اشاره می‌کند و می‌گوید:

هُـــم بٰـاهَلوا مـن داخِـلِ العـبا — فَعٰادَ المُناوي فيهم و هُوَ مُفْحَمُ
و أقْـبَلَ جـبريلَ يَـقولُ مُـفاخِراً — لميكالَ: مَن مثلي و قد صِرتُ مِنهُم؟
فَمَن مثلُهُم في العالَمينَ؟ و قَد غَدا — لَهُمْ سَيّد الأمـلاكِ جبريلُ يَـخْدمُ

ایشان هستند که پیامبر، آنها را داخل عبا کرد و با مسیحیان نجران مباهله نمود. در حالی که جبرئیل به میکائیل فخر می‌فروشد که چه کسی به مقام من می‌رسد؟ زیرا من با ایشان

۱. اشاره دارد به آیات ۱ تا ۳ سورهٔ نبأ.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

داخل عبا شدم. آری، چه کسی در دو عالم مثل و مانند آنهاست؟ زیرا بزرگ ملائکه، جبرئیل امین، خادم این خانواده است.

و ـ شاعران قرن هفتم

نگارنده در این قسمت، تطهیریه‌های شش شاعر را به همراه شرح حال آنان می‌آورد که عبارت‌اند از: امام منصور بالله قرشی، ابن‌طلحه شافعی، ابن ابی‌الحدید، ابومحمّد منصور بالله، شمس‌الدین محفوظ و بهاءالدین اربلی. از بین ایشان نیز دو تن را برمی‌گزینیم.

۶ـ۱۶) ابن‌طلحه شافعی: ابوسالم محمّدبن طلحه قرشی شافعی ملقّب به «کمال‌الدین» می‌باشد. بعضی گمان کرده‌اند که نسبت «عُمَری» به او، به دلیل انتسابش به عمربن خطاب است؛ در حالی که نسبت به محلّ تولّد اوست که قریهٔ «عمریّه» در جاده موصل به شام است.

وی فقیه، عالم، عارف، خطیب دمشق و مفتی مذهب شافعی بود. در فنون فراوان تبحّر داشت که علم حروف و اوفاق جزئی از آنهاست. ماجراهایی در این زمینه از او نقل شده که دلالت بر علوم غریبهٔ او دارد. از نکات مهمّ زندگیِ او این است که سلطان حکم وزارت برای وی نوشت، ولی نپذیرفت.

وی آثار متعدّدی دارد؛ ولی کتاب «مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول» ـ که در خصوص مناقب دوازده امام نوشته ـ از همه معروف‌تر است. در شافعی بودن او شکّی نیست و همهٔ کسانی که طبقات علمای شافعی را نوشته‌اند، نام وی را آورده‌اند؛ امّا ذکر مناقب اهل بیت در کتاب یاد شده آن‌قدر زیاد است که برخلاف همهٔ متقدّمان، محمّد طباخ حلبی، در قرن چهاردهم، به او نسبت تشیّع می‌دهد.

وی در کتاب مذکور پس از آوردن روایات در شأن نزول آیه تطهیر می‌گوید:

یا ربِّ بالخمسةِ أهلِ العَبا ذَوِي الهُدیٰ و العملِ الصالحِ

و من هُم سُفنُ نَجاةٍ و مَنْ والاهم ذو مَتْجَرٍ رابِحٍ

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

لا تُخْزِني وَ اغفر ذُنوبي عسىٰ أسْـلَمُ مِـن حَـرِّ لَـظىٰ اللّافِحِ

خداوندا به حقّ پنج تن اهل کساء که صاحبان هدایت و عمل صالح، و کشتیهای نجات بشرند، به حقّ آنهایی که هرکس دوستشان بدارد، در تجارت سود کرده، به حق آنان مرا خوار نکن و گناهانم را ببخش؛ باشد که از شعله‌های سوزانندهٔ آتش سالم بمانم.

در اشعار دیگرش به غدیر، روایات سوره تحریم و هل اَتی و شأن دشمنان اهل بیت نیز اشاره دارد.

۶ـ۱۷) ابن‌ابی الحدید: عزّالدین عبدالحمیدبن هبةالله‌بن ابی الحدید مدائنی معتزلی، ادیب، کاتب، مورّخ و شاعر مشهور عصر عباسی است. او در مدائن متولد شد و به کسب علم پرداخت. در همهٔ انواع علوم، دستی پیدا کرد. سپس به بغداد رفت و کاتب دربار خلافت شد. از بین مذاهب کلامی به اعتزال روی آورد. علاوه بر علوم مختلف و نیز کتابت دربار، شعر هم بسیار خوب می‌گفت و بارها به سبب مدح بنی عباس، جوایزی گرفت. مذهب اعتزال او در اشعارش کاملاً هویدا است.

آثار فراوانی دارد؛ امّا از بین آنها شرح ۲۰ جلدی بر نهج البلاغه و نیز قصائد «سبع علویات» او بسیار مشهور است. این قصائد هفت‌گانه که در مدح امیرالمؤمنین علیه‌السلام گفته شده، به ترتیب در ذکر فتح خیبر، فتح مکه، وصف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، واقعهٔ جمل، وصف امام علی علیه‌السلام و اوصاف حضرتش می‌باشد. شاعر معتزلی فضائل علی علیه‌السلام را به گونه‌ای به نظم کشیده که در مواردی متّهم به غلوّ شده است. وی به قصّهٔ کساء و آمدن جبرئیل و پاک و مطهّر بودن علی علیه‌السلام به سبب آیهٔ تطهیر تصریح دارد و نیز به عزل ابوبکر برای اعلام سورهٔ برائت با کنایه اشاره می‌کند:

و لا كـانَ مـعزولاً غـداةَ بـرائَـةٍ و لا عَـن صـلاةٍ أمَّ فـيها مـؤخِّرا
إمامُ هُدىً بـالقُرصِ آثَـرَ فَـاقْتَضىٰ لَهُ القُرصُ رُدَّ القُرصُ أبْيَضَ أزْهَـرا
مُـزاحِـمُهُ جـبريلُ تـحتَ عَـبَاءَةٍ لَها قيلَ كلَّ الصَّيْدِ في جانبِ الفَرا
لَأسْتَنْفِدَنَّ العـمر فـي مِـدْحتي لَـهُ و إنْ لامَـنى فـيه العَـذولُ فَأَكْـثَرا

علی علیه‌السلام کسی است که صبح روز اعلام سوره برائت، از این مأموریت، معزول نشد. نیز او

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]

امام هدایتگری است که قرصهای نان را در راه خدا ایثار کرد و از این رو قرص خورشید برای نماز او به جای خود بازگشت. او کسی است که آن هنگام که در زیر عبا جمع بودند، جبرئیل به سوی آنان آمد و درخواستِ مصاحبتِ ایشان را داشت. او کسی است که همهٔ خوبیها در او جمع شده. من تمام عمرم را در مدح علی مصرف می‌کنم، حتّی اگر روز به روز ملامتِ سرزنش کنندگان بیشتر شود.

ز ـ شاعران قرن هشتم تا سیزدهم

مؤلّف در این قسمت به شرح حال و اشعار یازده شاعر می‌پردازد که عبارت‌اند از: صفی الدین حلّی، واردی مُقری، ابن‌صباغ مالکی، کفعمی، ابن‌معتوق، مُقری کاظمی، آخوند مسیحا، حَضرمیِ شامی، عُجَیلی شافعی، ابوالحسن‌بن جبیر و ساعاتی. اشعار این شاعران نیز دلیلی بر مدّعای نویسنده است که شاعران از ابتدای قرن دوم تا قرن حاضر (یعنی چهاردهم) در بیان مصداق آیهٔ تطهیر و نیز معنای طهارت و انحصار آن به خمسهٔ طیّبه، هیچ تشتّت آراء نداشته و همه یک زبان، عقیده قاطبهٔ عالمان شیعه و نیز اکثریت عالمان اهل سنت را تأیید می‌کند. در انتهای رساله، پژوهشگر از ۱۳۳ منبع یاد می‌کند که در فراهم آمدن این نگارش، او را یاری داده‌اند.

[Downloaded from safinahmagazine.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1389.7.26.8.5]